

زولتان کوچش

---

# استعاره

## مقدمه‌ای کاربردی

---

جهان‌شاه میرزا بیگی



## فهرست

۹	پیش‌گفتار ویراست دوم
۱۱	پیش‌گفتار ویراست یکم: مطالعه استعاره
۱۹	۱. استعاره چیست؟
۳۹	۲. حوزه‌های رایج مبدأ و هدف
۶۱	۳. انواع استعاره
۸۵	۴. استعاره در ادبیات
۱۰۹	۵. تحقق غیرزبانی استعاره‌های مفهومی
۱۳۱	۶. اساس استعاره
۱۵۳	۷. ماهیت جزئی نگاشت‌های استعاری
۱۷۵	۸. مدل‌های شناختی، استعاره و جسمانیت
۱۹۷	۹. پی‌آمدهای استعاری
۲۱۷	۱۰. دامنه استعاره
۲۳۹	۱۱. نظام‌های استعاری
۲۷۳	۱۲. صنعت ادبی دیگر: کنایه
۳۰۹	۱۳. عمومیت استعاره‌های مفهومی
۳۳۹	۱۴. تغییرات فرهنگی در استعاره و کنایه
۳۶۳	۱۵. استعاره، کنایه و اصطلاحات
۳۹۳	۱۶. استعاره و کنایه در مطالعه زبان

## ۸ استعاره

۴۱۷

۱۷. استعاره‌ها و آمیزه‌ها

۴۴۱

۱۸. استعاره در گفتمان

۴۷۱

۱۹. چگونه همه این‌ها با هم سازگار می‌شوند؟

۴۹۵

اصطلاح‌نامه

۵۰۳

پاسخ تمرین‌ها

۵۲۱

کتاب‌نامه

30BOOKS.COM

## پیش‌گفتار ویراست دوم

در دوره شش تا ده سال گذشته نظریه استعاره مفهومی به پرنفوذترین و گسترده‌ترین نظریه استعاره تبدیل شده است. برخی از جدیدترین تحولات را می‌توان در حوزه‌های پژوهش گسترده‌ای همچون حوزه‌های زیر مشاهده کرد:

- نظریه نورونی استعاره
- نظریه یک‌پارچگی (یا آمیزه) مفهومی
- استعاره در گفتمان
- رابطه میان استعاره و جسمانیت
- ریشه استعاره در بافت فرهنگی
- ماهیت نگاهت‌ها
- استعاره در ایما اشاره
- مطالعه استعاره چندوجهی
- شناسایی استعاره
- پردازش استعاره
- مطالعه پیکره زبانی استعاره
- استعاره‌های عاطفی
- نظریه کنایه
- استعاره در آموزش زبان خارجی

استعاره در مطالعه دستور

و موارد دیگر

همه این موارد اکنون در این ویراست دوم کتاب استعاره‌ها: یک مقدمه عملی مورد بحث قرار گرفته‌اند، و به دو مورد آن‌ها، یعنی جسمانیت استعاره‌های عاطفی و استعاره در گفتمان، فصل مستقل اختصاص داده شده است. دو فصل جدید عبارت‌اند از فصل هشتم، «مدل‌های شناختی، استعاره‌ها و جسمانیت» و فصل هجدهم، «استعاره در گفتمان». در فصل آخر کتاب، با مطالعه یک مثال تنها، تلاش کرده‌ام روابط میان شاخه‌های مختلف آن‌چه عموماً نظریه استعاره مفهومی نامیده می‌شود را بررسی کنم.

هم‌چنین تلاش کرده‌ام تمام مطالب را، تا حد ممکن، کاملاً روزآمد کنم. به علاوه، تمامی شکل‌ها از نو رسم شده‌اند و از این رو، خواننده با تصاویر یا پازنمایی‌های یک‌دست‌تر و از لحاظ زیبایی‌شناختی چشم‌نوازتری از ایده‌های پیچیده سروکار دارد.

و آخرین اما نه کمترین، تمرین‌های جدیدی به قدیمی‌ها اضافه شده است که امیدواریم کتاب را برای خواننده به صورت مناسبی درآورند و مطالعه آن را راحت‌تر سازند.

اما در عین حال، مطالب اضافه‌شده حاوی یافته‌های جالب اخیر پژوهش‌گران هستند؛ یافته‌هایی که غالباً چالش و گاهی مجادله برانگیزند و امیدوارم، نه تنها برای دانش‌آموزان، بلکه برای پژوهش‌گران و معلمان نیز خوراکی فکری خوبی باشند.

## پیش‌گفتار ویراست یکم: مطالعه استعاره

برای اکثر ما، استعاره یک صنعت ادبی است که در آن یک چیز با چیز دیگر مقایسه می‌شود؛ در این مقایسه گفته می‌شود که یک چیز چیز دیگر است، مثل او یک شیر است. یا آن‌گونه که در *دانش‌نامه بریتانیکا* آمده است: «استعاره یک صنعت ادبی [است] که به مقایسه میان دو چیز نایکسان اشاره دارد، آن‌گونه که از تشبیه متمایز می‌شود، یک مقایسه صریح که با واژه‌های «مانند» یا «مثل» مشخص می‌شود».

برای نمونه، ما واژه شیر در جمله «آشیل در نبرد یک شیر بود» را استعاری در نظر می‌گیریم. احتمالاً هم‌چنین می‌گوییم که این واژه به این دلیل استعاری به کار می‌رود که ما به یک اثر هنری یا بلاغی برسیم، چون وقتی ما به زبان استعاری حرف می‌زنیم یا می‌نویسیم که می‌خواهیم نوشته یا گفته ما فصاحت و بلاغت داشته باشد که با واژه‌های «زیبا» و از لحاظ زیبایی‌شناختی خوشایند، دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم، یا یک عاطفه عمیق را بیان کنیم. شاید هم‌چنین اضافه کنیم که آنچه این همانی آشیل با شیر را ممکن می‌سازد این است که آشیل و شیر وجه مشترک دارند: یعنی، هر دو قوی و شجاع هستند.

در واقع، این یک دیدگاه به‌طور وسیع مشترک میان همگان است — رایج‌ترین مفهوم استعاره، هم در محافل محققان و هم در میان عامه مردم (که البته تنها دیدگاه استعاره نیست). این مفهوم سنتی را می‌توان با برشمردن ویژگی‌های عموماً



پذیرفته شده آن به اختصار توضیح داد. یکم، استعاره ویژگی واژه‌هاست؛ یک پدیده زبانی است. کاربرد استعاری شیر مشخصه‌ای از یک عبارت زبانی است (مشخصه واژه شیر). دوم، استعاره به منظور تولید اثر هنری و بلاغی به کار می‌رود، مثل وقتی که شکسپیر می‌نویسد «همه دنیا یک صحنه است». سوم، استعاره مبتنی بر شباهت میان دو هستی است که با هم مقایسه و شناخته می‌شوند. آشیل باید در یک چیزهایی با شیرها شریک باشد تا ما بتوانیم از واژه شیر به زبان استعاری برای او استفاده کنیم. چهارم، استعاره کاربرد آگاهانه و عمدی واژه‌هاست، هر کسی باید استعداد خاصی داشته باشد تا بتواند آن‌ها را به کار برد و خوب به کار ببرد. فقط شاعران بزرگ و سخن‌وران زبان‌آور می‌توانند در آن مهارت کسب کنند. برای نمونه، ارسطو در این باره می‌گوید: «بزرگ‌ترین چیز تسلط داشتن بر استعاره است. این به تنهایی نمی‌تواند به وسیله کس دیگر گفته شود، چون استعاره نشان نبوغ است». پنجم، هم‌چنین عموماً اعتقاد بر این است که استعاره یک صنعت ادبی است که ما می‌توانیم بدون آن سر کنیم؛ ما استعاره را برای منظورهای خاصی به کار می‌بریم، و بنابراین استعاره بخش جدایی‌ناپذیری از ارتباطات روزمره ما نیست، تا چه رسد به اندیشه و استدلال روزمره ما.

دیدگاه جدیدی از استعاره که همه این جنبه‌های نظریه قدرت‌مندستی را به صورتی منظم و منسجم زیر سؤال می‌برد، ابتدا توسط لیکاف و جانسون در سال ۱۹۸۰ در یک مطالعه ماندگار مطرح شد: استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم. نظریه آن‌ها «به دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره» معروف شده است. لیکاف و جانسون با طرح ادعاهای عمیقاً ریشه‌دار و عمیقاً جاف‌فاده زیر استعاره را به چالش کشیدند: (۱) استعاره ویژگی مفاهیم است نه واژه‌ها؛ (۲) نقش استعاره فهم بهتر برخی مفاهیم است، نه صرفاً به منظورهای هنری یا زیبایی‌شناسانه؛ استعاره غالباً مبتنی بر شباهت نیست؛ (۴) استعاره در زندگی روزمره توسط افراد عادی به صورت ناآگاه و بدون تلاش زیاد به کار می‌رود، نه صرفاً توسط برخی افراد نابغه یا برجسته؛ و (۵) استعاره یک فرایند اجتناب‌ناپذیر از اندیشه و استدلال انسان است، نه یک چیز زائد که ممکن است از لحاظ زبانی نوعی تزئین خوشایند تلقی شود.

لیکاف و جانسون به صورت قانع‌کننده‌ای نشان دادند که استعاره هم در اندیشه و هم در زبان روزمره ساری و جاری است. بینش آن‌ها اخیراً توسط مؤلفان واژه‌نامه‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، کالینز کوبیلد<sup>۱</sup> انگلیش<sup>۷</sup>: استعاره (که در این کتاب زیر نام واژه‌نامه استعاره کالینز کوبیلد به آن اشاره شده است) مثال‌هایی از استعاره را هم چون موارد زیر نقل کرده است (عبارت‌های استعاری در جمله‌ها یا گروه‌های مثال به صورت *ایرانیک آمده است*):

۱. او شنبه بعد از ظهر یک حیوان بود و این مایه بدنمای فوتبال انگلیس است.
۲. هیچ روش بی‌دردسری برای پایین آوردن تورم وجود ندارد. ما اکنون یک شالوده عالی در اختیار داریم که می‌توانیم ساختمان خود را بر روی آن بنا کنیم.
۳. سیاست‌مداران به خاطر بیماری جامعه مورد سرزنش قرار گرفتند.
۴. ابزارآلات دموکراسی را می‌شد به سرعت خلق کرد اما روح و جوهر آن نیز به همان اندازه مهم بود.
۵. حمایت‌های دولت تعدادی از نام‌های [رده] بالا در ورزش انگلیس را قادر ساخت که یک زندگی ورزشی موفقیت‌آمیز برای خود بسازند.
۶. شاخه [شعبه] محلی این سازمان.
۷. تعداد خیلی اندکی از آن‌ها صلاحیت آن را داشتند تا ... یک شرکت بیمار را دوباره سرپا نگاه دارند.
۸. بخش خدمات از یک بحران به بحران دیگر لنگ‌لنگان پیش می‌رود.
۹. زندگی او در حال ویرانی بود.
۱۰. چه‌گونه مردان اصلاً می‌توانند به طرز کار ذهن زنان پی ببرند؟
۱۱. دانشمندان در فهم بیماری آلزایمر گام‌های بلندی برداشته‌اند.
۱۲. آن‌ها به صورت گزینشی نیروی کار را هرس (تعدیل) کردند.
۱۳. کاستن و پروراندن روابط کاری که می‌تواند به سودهای بزرگ منجر شود.
۱۴. قهوه عالی بود و وقتی من به نصف اولین گیلان رسیدم مغزم با سرعت خلاص کار می‌کرد.





Zoltán Kövecses

# Metaphor

## A Practical Introduction

علوم شناختی

برای اکثر ما، استعاره یک صنعت ادبی است که در آن یک چیز با چیز دیگر مقایسه می‌شود؛ در این مقایسه گفته می‌شود که یک چیز چیز دیگر است، مثل او یک شیر است. ... برای نمونه، ما واژه شیر در جمله «آشیل در نبرد یک شیر بود» را استعاری در نظر می‌گیریم. احتمالاً هم چنین می‌گوییم که این واژه به این دلیل استعاری به کار می‌رود که ما به یک اثر هنری یا بلاغی برسیم، چون وقتی ما به زبان استعاری حرف می‌زنیم یا می‌نویسیم که می‌خواهیم نوشته یا گفته ما فصاحت و بلاغت داشته باشد که با واژه‌های «زیبا» و از لحاظ زیبایی‌شناختی خوشایند، دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم، یا یک عاطفه عمیق را بیان کنیم. ... آن چه این‌همانی آشیل با شیر را ممکن می‌سازد این است که آشیل و شیر وجه مشترک دارند. یعنی، هر دو قوی و شجاع هستند. ... رایج‌ترین مفهوم استعاره، هم در محافل محققان و هم در میان عامه مردم را می‌توان با برشمردن ویژگی‌های عموماً پذیرفته‌شده آن به اختصار توضیح داد: یکم، استعاره ویژگی واژه‌هاست؛ یک پدیده زبانی است. دوم، استعاره به‌منظور تولید اثر هنری و بلاغی به کار می‌رود. مثل وقتی که شکسپیر می‌نویسد «همه دنیا یک صحنه است». سوم، استعاره مبتنی بر شباهت میان دو هستی است که با هم مقایسه و شناخته می‌شوند. چهارم، استعاره کاربرد آگاهانه و عمدی واژه‌هاست، هر کسی باید استعداد خاصی داشته باشد تا بتواند آن‌ها را به کار ببرد و خوب به کار ببرد. فقط شاعران بزرگ و سخن‌وران زبان‌آور می‌توانند در آن مهارت کسب کنند. (از پیش‌گفتار کتاب)



انتشارات آگاه

